

ابوالقاسم حبیب‌اللهی «نوید»

## ترجمه شعر به شعر

« قسمت دوم »

در شماره پیش نمونه‌هایی از ترجمه شعر به شعر از مجموعه‌ای که اینجانب تألیف کرده‌ام آورده شد. در این شماره نیز قسمت دیگری از آن مجموعه نقل میشود.

این دو بیت در دیوان منسوب به امام علی بن ابیطالب علیه‌السلام آورده شده است ۱.

ای یومی من الموت افر  
یوم ما قدر لم اخش الردی  
یوم ما قدر ام یوم قدر  
و اذا قدر لم یغن الحذر  
(دیوان چاپ تهران ص ۴۵)

۱- دیوان منسوب به امام علی بن ابیطالب تاکنون چندین مرتبه بچاپ رسیده است و چندین شرح نیز بر آن نگاشته شده است که معروفترین آنها شرح میبیدی است لکن ارباب تحقیق در انتساب اکثر اشعار آن دیوان به آن حضرت شک دارند و بجز چندبیتی که در کتابهای قدیم آورده شده است بقیه را از آن حضرت نمیدانند آنچه مسلم است این است که مضامینی را که آن حضرت در کلمات قصار خود بیان فرموده‌اند در این دیوان موجود است و گویا شاعری بقصد تبرک و تیمن آنها را بنظم آورده است. راجع به دو بیت مزبور در جلد سوم عقداالفرید در باب فضائل شعر چنین نوشته شده :

وکان علی بن ابیطالب اذا برز للقتال الشد:

یوم لا یقدر ام یوم قدر  
و من المقدور لا ینجو الحذر

ای یومی من الموت افر  
یوم لا یقدر لا اربه

مرحوم هدایت در مجمع الفصحا این دو بیت را به بندار رازی نسبت داده است:  
 از مرگ حذر کردن دو روز روا نیست      روزی که قضا باشد و روزی که قضائیت  
 روزی که قضا باشد کوشش ندهد سود      روزی که قضائیت در او مرگروائیت  
 (مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۴۵)

چنانکه خوانندگان محترم ملاحظه میفرمایند این دو بیت بندار رازی ترجمه بسیار فصیحی از دو بیت منسوب به امام میباشند.

۲- در کتاب کامل مبرد<sup>۱</sup> در باب کتمان سر چنین مینویسد.

و احسن ما سمع فی هذه المعنی      ما یعزی الی علی بن ایسطلاب ع  
 فلا تفش سرک الا الیک      فان لکل نصیح نصیحا

(کامل مبرد چاپ مصر ص ۶۹۹)

مضمون این بیت در شاهنامه به این صورت ترجمه شده است:

سخن هیچ مسرای با رازدار      که او را بود نیز انباز و یار

(شاهنامه ص ۱۴۱۴ چاپ کلکته)

و نیز در همین موضوع این دو بیت در ضمن قطعه‌ای در کتاب المحاسن والاضداد جاحظ آورده شده و به عتبی نسبت داده شده:

اذالمراء افشی سره بلسانه      و لام علیه غیره فهو احمق

اذا صاق صدر المرء عن سر نفسه      فصدر الذی یتودع السر اضیق

(المحاسن والاضداد ص ۲۱)

۱- کامل مبرد یکی از چهار کتابیست که قدها آن کتابها را اصول ادب دانسته‌اند و آنها عبارتند از کامل مبرد، کتاب البیان والتبیین جاحظ و ادب الکاتب ابن قتیبه و نوادر ابوعلی قالی و مولف کتاب کامل ابوالعباس محمد بن یزید معروف به مبرد میباشند.



عليه السلام نقل کرده است :

فانه يريد ان ينفعك فيضرك

اياك و مصادقة الاحمق

این دو بیت را بدون ذکر گوینده می آورد .

فلا خير في صحبة الاخرق

حياتك لا تصحبين الجهول

خير من المشفق الاحمق

و اقسم ان العدو واللبيب

(شرح نهج البلاغه ج ۳)

مضمون دو بیت فوق در شاهنامه فردوسی بدین صورت آمده است :

بدانکه که بگشود راز نهفت

نگه کن که دانای پیشین چه گفت

ابا دشمن و دوست دانش نکوست

که دشمن که دانا بود به ز دوست

(شاهنامه فردوسی چاپ کلکته ص ۱۱۸)

مضمون ابیات فوق در مخزن الاسرار نظامی در ضمن حکایتی بسیار فصیح

بدین صورت آمده است :

دشمن دانا که غم شجان بود دانی و مطالعاست بهتر از آن دوست که نادان بود

(مخزن الاسرار ص ۱۵۵)

این دو بیت نیز در دیوان منسوب به امام علی آمده است و در کتاب المستطرف

نیز بدان حضرت نسبت داده شده :

عماد اذا استجدتهم و ظهور

عليك باخوان الصفاء فانهم

و ان عدوا واحدا لكثير

وما بكثير الف خل و صاحب

(دیوان چاپ تهران ص ۵۰ المستطرف ص ۹۸)

۱- آن حکایت با این بیت شروع میشود

کودکی از جمله آزادگان

رفت برون با دو سه همزادگان

(مخزن الاسرار چاپ وحید)

در کتاب لغت فرس اسدی طوسی در ذیل لغت الفنج این بیت را از ابوشکور بلخی شاهد آورده است :

میلنج دشمن که دشمن یکی فراوان و دوستار هزار اندکی  
(لغت فرس چاپ اقبال ص ۵۸)

چنانکه مشاهده میشود این بیت ترجمه بیت دوم منسوب به امام میباشد :  
این بیت در ضمن قطعه‌ای در دیوان منسوب به امام علی آمده است و در کتاب  
عیون الاخبار نیز بدون ذکر گوینده نقل شده است :

اذا تم امر بدائقه ترقب زوالا اذا قيل تم  
دیوان چاپ تهران ص ۱۰۱ ، عیون الاخبار ج ۲ ص ۳۳۲

در همین معنی ابوالعلاء معری گفته است :  
و ان كنت تهوى العيش فابغ توسطاً فعند التناهي يقصر المتطادل  
توقى البدور النقص و هي اهله و يدركها النقصان و هي كوامل  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (سقط الزند ص ۱۹۶)

ناصر خسرو در ضمن قصیده مشهور خود چنین گوید :  
میانه کار همی باش و بس کمال مجوی که مه تمام نشد جز ز بهر نقصان را  
و نیز این دو بیت در دیوان منسوب به امام (چاپ تهران ص ۴۲) و در کتاب  
المستطرف (ص ۴۸ ج ۲) آورده شده است.

انی رأیت و فی الایام تجربه للصر عاقبة محودة الاثر  
و قل من جد فی امر یحاوله واستصحب الصبر الا فاز بالظفر  
و در کتاب البیان والتبیین جاحظ (ج ۲، ص ۳۶۰ چاپ مصر) این آیات را به

محمد بن یسیر نسبت داده است :

ان الا مور اذا سدت مسالكها  
لا تياسن و ان طالت مطالبه  
اخلق بذی الصبر ان يحظى بحاجته  
فالصبر يفتح منها كل ما ارتجى  
اذا استعنت بصبر ان تری فرجا  
ومد من القرع للابواب ان يلجا

مضمون فوق در شعر فارسی چنین آمده است : مولانا جلال الدین رومی در

مثنوی :

گفت پیغمبر که چون کوبی دری  
چون نشینی بر سر کوی کسی  
عاقبت ز آن در بیرون آید سری  
عاقبت بینی تو هم روی کسی  
(ج ۳ ص ۳۲۲)

مولانا شمس الدین حافظ شیرازی نیز چنین گوید :

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند  
و نیز نزدیک به مضمون فوق این دو بیت است :

اما والذی لا یعلم الغیب و غیره  
لئن کان بدء الصبر مرءاً فانه  
و من لیس فی کل الا مور له کفو  
لقد یجتی من بعد الثمر الحلو  
نقل از المستطرف ص ۱۸۴

مضمون بیت دوم در گلستان سعدی چنین آمده است :

منشین روترش از گردش ایام که صبر  
گرچه تلخ است ولیکن بر شیرین دارد  
گلستان چاپ فروغی ص ۳۳

ز کار بسته میندیش و دل شکسته مدار  
که آب چشمه حیوان درون تاریکی است

و همچنین در کتاب البیان و التبیین جاحظ (ج ۲ ص ۳۵۰) :

این بیت بدون ذکر گوینده آورده شده است که شبیه به مضامین فوق است:

اذا تضایق امر فاتتظر فرجا  
فاضیق الا مر ادناه من الفرج

و همچنین ابن خلکان این دو بیت را که مضمون بیت فوق است به ابراهیم صولی نسبت میدهد :

و لرب نازلة یضیق بها الفتی      ذرعاً و عندالله منها المخرج  
ضاقت فلما استحكمت حلقاتها      فرجت و کان یظنها لا تفرج  
وفیات الاعیان ج ۱ ص ۱۰ چاپ تهران

مضمون ابیات عربی فوق در شعر فارسی بسیار است و ما بعضی از آنها را نقل میکنیم :

قدیم‌ترین شعری که در این باب آمده است این بیت است که در اسرار التوحید از شیخ ابوسعید نقل شده :

کار چون بسته شود بگشاید      وز پس هر غم طرب افزاید  
اسرار التوحید چاپ دکتر صفا ص ۲۷۱

حکیم نظامی در کتاب لیلی و مجنون مضمون فوق را چنین آورده است :  
کاری که نه زو امیدداری و باشد سبب امیدواری  
در نومیدی بسی امیداست      پایان شب سیه سپیداست  
لیلی و مجنون ص ۱۶۴

و همچنین در مخزن الاسرار این دو بیت زیبا و بدیع را در این باب سروده است:  
شاد زیم چون که دل من غمی است      کآمدن غم سبب خرمی است  
هرچه خلاف آید عادت بود      قافله سالار سعادت بود  
و نیز حافظ شیرازی ترکیب خلاف آمد عادت را از نظامی اقتباس نموده و چنین گوید :

از خلاف آمد عادت بطلب کام که من      کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم  
دیوان حافظ چاپ قزوینی ص ۲۱۷

و نیز در دیوان منسوب به امام علی بن ابیطالب علیه السلام این دو بیت در ضمن قطعه‌ای آورده شده است :

دوائك فيك ولا تبصر

ودائك منك ولا تشعر

اتزعم انك جرم صغير

وفيك انطوى العالم الاكبر

دیوان چاپ تهران ص ۴۱

شبیبه به مضمون این دو بیت این رباعی می باشد که در مجمع الفصحاء به بابا افضل کاشی نسبت داده شده است

ای نسخه نامه الهی که توئی

ای آینه جمال شاهی که توئی

بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست

از خود بطلب هر آنچه خواهی که توئی

مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۹۸ چاپ تهران

این بیت در ضمن چند بیت دیگر به اضبط بن قریع نسبت داده شده است :

قد يجمع المال غير آكله

و يأكل المال غير من جمعه

البيان والتبيين چاپ مصر ج ۳ ص ۳۶۲

این مضمون در اشعار فارسی بسیار آمده است مخصوصاً در شاهنامه ، اینک چند بیت از آن :

بخور هرچه داری فزونی بده

تو رنجیده‌ای بهر دشمن منه

به نیک و به بد روز تو بگذرد

کسی دیگر آید کز او برخوردار

شاهنامه ص ۳۰۶ چاپ کلکته